

محاكمه الكل در پیشگاه علم!

در چهارشنبه شب ۲۷/۹/۴۷ در کانون دانشجویان دانشگاه تهران سمپوزیومی تحت عنوان الكل برگزار شد و در این کنفرانس از یکی از استادان دانشکده پزشکی دعوت شده بود تا در مورد الكل سخنرانی بعمل آورد.

دانشجویان پزشکی قسمت عمده شرکت کنندگان این جلسه را تشکیل میدادند و نگارنده یکی از آنها بودم، عادتاً کنفرانس‌های علمی در يك زمینه‌ی نظری و خالی از هر گونه تمصب انجام میپذیرد و دانشجویان کم و بیش با این شیوه بحث عادت دارند، با کمال تأسف در آن شب این روش بوسیله استاد مزبور شکسته شد و بحثی که میبایست منتج به نتایج علمی گردد بافتضاح انجامید و برای ناطق جز رسوائی بیار نیاورد. او بحث علمی را به تعصب آلوده کرد، تعصبی کثیف که خصوصاً در پیشگاه علم طب نابخشودنی است.

جریان بدینترار بود که در آن شب دانشجویان پزشکی یکی از جایبان بنام و متمهین با سابقه

طب یعنی الكل را پهای میز محاکمه کشیده بودند :

الكل متهم است که صرفنظر از رسوائیهای اجتماعی و خرابیهای اقتصادی در قلمرو طب جنایاتی بیار آورده است، **الكل** متهم است که در طی قرون و اعصار چون داغی بر پیشانی بهداشت و سلامت بشریت نشسته و قربانیان فراوانی بگورستان فرستاده است.

الكل متهم است که سالانه عده زیادی مجنون و دیوانه به بیمارستانها گسیل میدارد.

الكل متهم است که با تگ تگ اعضا و دستگاہ های بدن دست و پنجه نرم کرده هر يك را بنوعی بیمار و مبتلا ساخته است (۱)

الكل متهم است که در ابتلاء کبید به «سیروز» بیماری خطرناک و غیر قابل درمان. مهمترین نقش را عهده دار بوده است (۲)

الكل متهم است که میخوارگان را به ورم مزمن موده (۳) مبتلا ساخته است.

الكل متهم است که سیستم عصبی را ضایع ساخته و موجب استحال (۴) اعصاب محیطی و مرکزی

(۱) بیماریهای روانی نوشته دکتر میر سپاسی استاد دانشگاه.

(۲) کتابهای طب داخلی، سیسیل، داویدسون، هاریسون معتبرترین کتب طب دینا

(3) Chronic Gasteritis . (4) Nervuos Degeneration

گفته و ایجادورم پی(۱) وورم مغز (۲) نموده است .

الکل متهم است که عامل منحصر بفرده بیماری دلیریوم ترمنس (۳) و جنون خمیری میباشد (۴) الکل متهم است که سوء تغذیه ایجاد کرده و در صورت موجود بودن ، آن را و خیم تر میسازد . اینها نمونه ای ازموارد اتهام الکل در پرونده پزشکی اوست که هر یک از اینها بطور وضوح و غیر قابل تردید درپیشگاه طب قویاً به ثبوت رسیده است .

صرف نظر از قتلها ، هتك عفتها ، اغتشاشات خانوادگی ، ضایعات اجتماعی جنایات تاریخی که الکل مسبب آنها بوده است ، موارد اشاره شده در فوق ضربه هائیمست که الکل مستقیماً بر پیکره سلامت بشر نواخته است .

آن شب میخواستیم که این اتهامات جرح و تعدیل بیشتری شود و بطور واضح تری از جهره شیطان بطری پرده برداری شود ولی باکمال تعجب مشاهده گردید که ناطق کفرانس که میبایست علی القاعده بعنوان يك طیب و حافظ سلامت بشر الکلیسم را محکوم کند بدفاع از الکل و اعاده حیثیت او علیرغم کلیه مدارک و مستندات پزشکی برخاست . او دفاع متهمی را بعهده گرفت که عوام و خواص از جنایاتش آگاهند و تنها اطباء جهان آن را در زمره مهمترین دشمنان سلامت بشر میشناسند او با این دفاع تنها

ساحبان بارها و کابارهها را خشنود ساخت . خشنودی که بقیمت از دست رفتن حیثیت پزشکی اوتامام شد .

وکیل مدافع الکل (که نمیدانیم حق - الوکاله او چه بود!) کسی است که متأسفانه در دانشکده طب درس سلامت و بهداشت میدهد و آنگاه در يك محفل علمی به قول شاعری تمسك جسته و میگوید :

مستم کن آنچنان که ندانم زین خودی
در عرصه خیال که آمد کدام رفت ا

این وکیل مدافع بی تجربه که شخصیت او در غرب جنایتکار - سرزمین بمب و الکل - تکوین یافته است ابتدا بمنظور خوش رقصی در پیش اربابان خود به روحیات شرقیها حمله کرده و آنها را بجرم اینکه چرا چون هفت تیر کشهای تکراس عربده نمی کشند محکوم می کند او شرق را بجرم اینکه چرا در مسابقه میگساری از غرب عقب افتاده است تخطئه میکند .

تا اینجاسخنان استاد از یاد غیر مترقب نبود زیرا ما امثال این سم پاشیها را از غرب زدگان خود - باخته انتظار داریم ولی وقتی بحث اصلی شروع شد و راجع به خواص الکل صحبت بمیان آمد نامبرده چنان اصول و بدیهیات پزشکی را زیر پا گذاشت و عمداً قلب حقیقت کرد که حتی دانشجویان غیر پزشکی را نیز باعجاب واداشت .

تو گوئی تممداً و بحکم ماموریتش ممدور بود ا

(1) Polynevrite (2) Polioencephalite hemorrhagique

(3) Delirium tremens (4) Syndrome Korokoff

برای نمونه بچند خطای نابخشودنی ایشان اشاره میشود .

۱ - ناطق الککل را بمنوان داروی پائین آورنده فشار خون معرفی فرمودند ! باز جمله ای از همان کتاب در صفحه ۸۶ ذکر میکنم .

« نظر به توفیق اثر انقباضی به انبساطی عروق ، فشارخون بااستعمال الککل بالامیرود وازاین خاصیت دردرمان فوری موارد کولاً- بسوس (سقوط فشارخون) استفاده میشود»

۲- موردیست بسیار جالب که از سر تا پای آن اقتضاح مییارد و آن اینکه استاد فراموشکار منکر اثر الککل در بیماری سیروز کبد (۱) گشته و در تأثیر الککل در ایجاد این بیماری تردید فرمودند تا شاید بر چهره مخوف شیطان بطری ماسک زیبایی نهاده و این جانی بیدفاع را در آغوش محبت خود پناه دهند .

نگارنده در این مورد از بزرگترین کتب آسیب شناسی دنیا که مهمترین ماخذ پاتولوژی است اخذ نمود و استاد را بخواندن آن دعوت میکنم : در کتاب فوق (۲) تحت عنوان بیماری سیروز مؤلف مینویسد :

« در ایالات متحده اغلب موارد سیروز متعاقب استعمال الککل دیده شده است تأثیر میخوارگی در ایجاد سیروز کبد غیر قابل تردید است؛ منتهی مکانیسم ضایعات حاصله از الککل بطور کامل مشخص نیست» .

سپس بذکر آمار پرداخته و مینویسد:
در بیمارستان Los Angeles County Hospital

از ۹۰۰ بیمار جدید مبتلا به سیروز بیش از ۹۰۰ ر. آنها سابقه میخوارگی ۵-۱۵ ساله داشته اند» سپس بتوضیح نسبی کیفیت اثر الککل در ایجاد سیروز پرداخته و مینویسد «هر گرم الککل ۷ کالری حرارت ایجاد میکند بنا بر این الکلیکها (که مبنی بر اصل تحمل و اعتیاد بالکل) کالری مورد نیاز خود را از صرف الککل تأمین میکنند ، بی اشتها میشوند و این بی اشتها می سبب محرومیت از بعضی مواد لازم و ضروری فی الجمله Lipotropic Substances میگردد و این خود ضایعات کبدی را تشدید کرده و به پیدایش و پیشرفت سیروز کمک میکند . افزایش چربی در کبد میخوارگان (مرحله ابتدائی سیروز) هم مربوط بدر یافت چربیهای رژیم روزانه وهم نقصان انتقال چربیها از کبد بعلت کمبود مواد فسفولیپیدی است . هم چنین کبد چرب الکلیکها ممکن است معلول کاهش اکسیداسیون اسیدهای چرب (تیا اکسیداسیون) در کبد باشد» .

خوانندگان مطلع ملاحظه میفرمایند که گر چه احتراق الککل در بدن ایجاد انرژی می کند ، لیکن انرژی حاصله و تأمین «کالری» از این طریق سبب انحراف « متابولیسم » طبیعی مواد غذایی بطور غیر مستقیم گشته و بالانس رژیم غذایی را مختل میسازد بطوریکه نتیجه آن «انفیلتراسیون» چربی کبد و متعاقب آن سیروز

(۱) سیروز کبد بیماری خطرناک و غیر قابل علاجی است که اغلب معلول میخوارگی و فقر غذایی بوده و پس از برقراری بیماری بسیر خطرناک و کشنده خود ادامه میدهد .

Pathology. W.A.D. Anderson 1961 P.822 (2)

محتاطانه ؛ ادامه یابد مانعی ندارد . در جواب اینمورد اخیر باز ناچارم از کتاب کلاسیک بیماریهای داخلی استشهاد کرده و صفحه ۹۳۰ کتاب مزبور را که درموضوع سیروز بحث کرده است نگاه کنیم .
مؤلف مینویسد:

«بیمار مبتلا به سیروز میبایست مؤکداً از الکحل پرهیز کند و رژیمی که سرشار از پروتئین بوده و قند و چربی کمتری دارد دریافت کند ، این بود مختصری از خلاف حقایقی که استاد برای دفاع از الکحل ارائه دادند دفاعی مفتضحانه و تلاشی مذبحخانه که سر انجامی جز رسوائی ایشان نداشت .

(ضایعه غیر قابل برگشت و درمان ناپذیر کبد) میباشد تمام کیفیات فوق درموارد سوء تغذیه شدید میگردد یعنی میخسوارگی توأم با فقر غذایی کیفیتی است که وقوع و بروز سیروز کبد را حتمی میکند . در اینصورت با توجه باینکه در ایران اکثریت مردم از فقر غذایی رنج می-برند تجویز الکحل بوسیله جناب استاد کیفیتی را ایجاد خواهد کرد که نتیجه ای جز افزایش موارد سیروز کبد و افزایش مراجعین مطبها و مآلا قبرستانها در بر نخواهد داشت !!
واسف انگیز تر آنکه خوشبینی جناب استاد بحدی است که حتی درمواردیکه سیروز برقرار شده است ایشان معتقدند که اگر تجویز الکحل

(بقیه از ص ۵۳)

خود مسلمانان ساخته شود و در همان موقع اسقف-های وابسته به انجمن مقدس ا در شهر مونیخ آلمان توطئه میچیدند و از ساختمان مسجد و مرکز اسلامی جلو گیری بعمل میآوردند و بالاخره برای اثبات کمال صداقت در راه تفاهم بهتر ا که در قطننامه شورا ذکر شده بود ، در حبشه (اتیوپی) مبلغین اسلامی را از مملکت اخراج میکنند و بازورس نیزه در دهکده های مسلمان-نشین کلیسا میسازند و به مسلمانان که اکثریت افراد کشور را تشکیل میدهند ، اجازه نمی دهند در کارهای حساس مملکتی دخالت کنند . و در قبرس در سایه دولت عالیجناب اسقف مازوریوس چند مسجد بزرگو تاریخی در نیکوزیا با خاک یکسان میشود و در همان زمان و بدنبال صدور قطننامه شورای کلیساها طبق گزارش خبرگزاری-

های رسمی جهان از هند در اثر یورش وحشیانه مسیحیان ، تنها در یک دهکده بیش از دو هزار نفر از مسلمانان قتل عام شدند (۱)
با اینهمه تفاسیل راستی مضحک و مسخره است که شمشیر کش های تاریخ که هنوز هم شمشیر بر کف دارند در لباس محبت وزیر ماسک زندگی مسالمت آمیز! اسلام، آئین زندگی و مسالمت را دین زور و شمشیر معرفی کنند و تاسف آور اینکه عده ای هم تبلیغات آنها-را حقیقت انگارند و باسلام خرده گیرند تا آنجا که حقوقدانی چون منتسکیو با اینکه در صفحه ۳۸۴ کتاب خود عامل پیشرفت اسلام و فتوحات شگفت انگیز اعراب را مالیاتهای سنگین طبقه حاکمه و ثلثات امپراطوری ها و فساد حکومت های وقت میشرد ، در صفحه ۶۷۱ همان کتاب (۲) گرفتار تناقض شده و تحت تاثیر تلقینات کشیشان مسیحی ، اسلام را دین شمشیر معرفی میکنند !

(۱) مکتب اسلام شماره ۱۰ سال ۶ صفحه ۳۳

(۲) بکتاب «روح القوانين» صفحات ۳۸۴ و ۶۷۱ مراجعه شود .